

پنجشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۴
وطن‌امروز شماره ۴۲۷۲
ورزشی
یادداشت
درباره مدیریت استقلال و رفتار تاجرنیا که در بحران، دیگران را سپر می‌کند
فرار از مسؤلیت



خیابان و مقابل باشگاه آمده‌اند تا صدای اعتراض‌شان را بلند کنند؛ اعتراض به بی‌برنامگی، خریدهای پرحاششیه و عقب ماندن از رقبا در بازاری که هر ثانی‌هایش حکم طلا دارد. فصل نقل‌وانتقالات برای تیمی مثل استقلال باید فرصتی برای ترمیم زخم‌های فصل قبل باشد اما این بار نتیجه چیزی جز ناامیدی نیست. در حالی که سایر مدعیان با برنامه‌ای دقیق لیست‌شان را تقویت کردند، استقلال هنوز درگیر مذاکره‌های فرسایشی است. عجله‌ای هم که مدیران نشان دادند، فقط باعث شد خریدی مثل عیسی آل‌کثیر - مهاجمی که حتی در پرسپولیس نیمکت‌نشین بود - با قراردادی یک‌ساله راهی ترکیه و اردوی تیم شود؛ خریدی که بیشتر از امید خشم و انتقاد به همراه آورد.

■ **توپ در زمین سرمربی و مدیرعامل**

وقتی این پرسش مطرح شد که چرا باشگاهی با سابقه و اعتبار استقلال به چنین انتخاب‌هایی رسیده، علی تاجرنیا - رئیس هیات‌مدیره - که هیچ سابقه‌اجرائی مثبتی در کارنامه ندارد، تلاش کرد خودش را کنار بکشد و اصریح گفت بستن تیم مسؤلیت سرمربی و مدیرعامل است و هیات‌مدیره فقط حمایت مالی می‌کند. تاجرنیا حتی به عنوان یک هوادر، خرید آل‌کثیر را تصمیمی بحث‌برانگیز دانست اما بلافاصله اضافه کرد برای جلوگیری از اختلافات، باید مطابق نظر سایپنتو پیش رفت، چون اگر امروز جلوی خواسته سرمربی گرفته شود، فردا دوباره هواداران همین موضوع را دستاویز انتقاد قرار می‌دهند. این استدلال در ظاهر منطقی است اما پاسخ اصلی را نمی‌دهد. اگر آل‌کثیر در لیست سوم و چهارم سایپنتو بود، چرا باشگاه نتوانست نام‌های اول و دوم را جذب کند؟ چه ضعف مدیریتی و چه کمبود منابعی باعث شده استقلال از گزینه‌های باکیفیت‌تر عبور کند و به خریدی برسد که حتی مدیر باشگاه هم اعتراف دارد از نظر فنی توجیه کافی ندارد؟

■ **سفیدشویی با تبرئه پیشاپیش؟**

تاجرنیا در گفت‌وگوی اخیرش سعی کرد زست مدیری را بگیرد که در بخش مالی همه چیز را سامان داده و حالا مسؤولیتی در قبال کیفیت خریدها ندارد اما همین موضع، بیش از آنکه نشان از شفافیت داشته باشد، یک پیام دارد: فرار از مسؤولیت. او می‌خواهد ناکامی احتمالی در بازار را گردن علی نظری‌جویباری و سایپنتو بیندازد تا خودش از تبعاتش در امان بماند. این رفتار، چه آگاهانه باشد چه از سر ناگاشی، خروجی یکسانی دارد؛ ایجاد فاصله میان ارکان مدیریتی باشگاه و عمیق‌تر کردن شکاف موجود. رئیس هیات‌مدیره‌ای که باید همراسنا با مدیریت اجرایی حرکت کند، حالا خودش را جدا کرده تا در صورت بروز بحران، کسی انگشت اتهام را سمت او نکیرد.

■ **حمله به هوادار، ساده‌ترین راه**

نکته عجیب‌تر اما لحن تاجرنیا نسبت به هواداران است. او در صحبت‌هایش به‌طور غیرمستقیم همین هوادارانی را مقصر دانست که هر روز به هیات‌مدیره و تیم فعلاشی می‌کنند و فضایی پر تنش می‌سازند. این در حالی است که در فوتبال حرفه‌ای، فشار هوادر بخشی جدایی‌ناپذیر از مدیریت باشگاه‌های بزرگ است؛ آن هم هواداری که یک سال است هیچ حرکت درست در از سوی حامی مالی باشگاه نمی‌بیند. پرسش ساده‌ای مطرح می‌شود: اگر او به جای استقلال، روی صندلی مدیریت پرسپولیس یا سپاهان می‌نشست که حتی در روزهای پیروزی هم تماشاگران معترض مقابل باشگاه جمع می‌شوند، چه می‌کرد؟ مگر رضا درویش در پرسپولیس، بدون شنیدن شعارهای انتقادی کار می‌کند؟ مگر مدیران سپاهان و تراکتور از فشار هواداران معاف هستند؟ هنر مدیریت دقیقاً در چنین لحظات سختی مشخص می‌شود؛ اینکه تصمیمی گرفته شود که هم به سود تیم باشد و هم بتواند بخش بزرگی از نارضایتی‌ها را خاموش کند.

■ **بی‌اعتمادی در قلب باشگاه**

مشکل استقلال فقط یک خرید از رقیب یا عقب ماندن از رقبا نیست؛ بحران اصلی نبود هماهنگی میان مدیران است. وقتی رئیس هیات‌مدیره، مدیرعامل و سرمربی هر کدام روایت خودشان را دارند و در بزنگاه‌ها تلاش می‌کنند تقصیر را گردن دیگری بیندازند، نتیجه چیزی جز بی‌اعتمادی و آشفتگی نخواهد بود. هواداران استقلال این سردرگمی را بهتر از هر کس دیگری حس می‌کنند، چون هر روز باید پاسخ‌های ضدونقیض را بشنوند و نگران آینده تیم‌شان باشند. ■ **اختلافات پنهان علنی شد**

اطهارات تاجرنیا تنها آبی‌ها را آرام نکرد، بلکه پرده از اختلافات پنهان در ساختار باشگاه برداشت. او به جای حمایت از تصمیمات مجموعه، در صف منتقدان نشست و تلاش کرد خودش را در جایگاه نظر قرار دهد. این همان چیزی است که به اصطلاح در فوتبال به آن سفیدشویی می‌گویند؛ شاله‌خالی کردن از نتایج تصمیمات مشترک و انداختن توپ در زمین دیگران. ■ **پیامدهای شکاف**

نتیجه چنین رویکردی مشخص است: تضعیف روحیه تیم، افزایش فشار روی سرمربی و ایجاد حاشیه‌های تازه که در میانه فصل خودش را نشان می‌دهد. تجربه‌های گذشته استقلال نشان داده هر زمان اتحاد در مدیریت وجود نداشته، تیم در داخل زمین هم متزلزل بوده است. وقتی بازیکن می‌بیند مدیران حتی در فصل نقل‌وانتقالات متحد نیستند، چطور باید به آینده این پروژه اعتماد کند؟

■ **یادآوری ساده**

هواداران استقلال بخوبی می‌دانند این نخستین بار نیست

که بحران‌های مدیریتی فصل نقل‌وانتقالات را تحت شعاع قرار داده. چند فصل پیش هم در اوج رقابت برای قهرمانی،

اختلافات داخلی کار را به جایی رساند که حتی پرداخت

دستمزدها به تعویق افتاد و تیم از رقابت‌بازماند. حالا نشانه‌ها

دوباره تکرار شده‌اند: مدیریت متشتت، خریدهای مشکوک،

حمله مستقیم به هواداران و مهم‌تر از همه، نبود پاسخ‌های

شفاف. اگر تاجرنیا و دیگر اعضای هیات‌مدیره واقعاً به فکر

استقلال هستند، باید قبل از هر چیز یکصدا شوند. فرار از

مسؤولیت و انداختن تقصیر گردن دیگران فقط بحران را

عمیق‌تر می‌کند. در غیر این صورت، این فصل پیش از

شروع، بازنده‌ای مشخص دارد: استقلال و میلیون‌ها هوادارش.



هیچ‌کس تا چند ماه پیش حتی حدسش را نمی‌زد؛ سپاهان، سیدحسین حسینی، سنگربان شماره یک چند فصل اخیر استقلال، در شرایطی پای میز مذاکره با سپاهان نشست که از گفت‌وگوهای طولانی و بی‌نتیجه با مدیران باشگاه خودش خسته شده بود. مذاکراتی که از ابتدا بیشتر شبیه یک نبرد فرسایشی بود و در نهایت هم نقطه پایانش چیزی جز خداحافظی نبود. تبریزی‌ها در همان روزهایی که استقلال نتوانست خواسته‌های مالی و حرفه‌ای او را تأمین کند، پیشنهادی روی میز گذاشتند که رد کردنش نه منطقی بود و نه از نظر فوتبالی توجیه داشت.

این جابه‌جایی زمانی جذاب‌تر می‌شود که بدانیم در آستانه جام جهانی ۲۰۲۶، حسینی نمی‌خواست فصل حساسی را روی نیمکت بگذرانند و ریسک از دست دادن جایگاهش در تیم ملی را به جان بخرد. سپاهان، نه‌تنها فرصت حضور ثابت در ترکیب اصلی را به او وعده داد، بلکه با شرکت در آسیا چشم‌انداز متفاوتی از تجربه‌های بین‌المللی برایش ترسیم کرد.

پیشنهاد تیم مدیریتی سپاهان آنقدر حساب‌شده و اغواکننده بود که حسینی را از ادامه مسیر در استقلال منصرف کرد.

حسینی با درک این شرایط، تصمیم گرفت خود را در تیمی ببیند که تضمین بازی دارد و همین نکته کلیدی، بزرگ‌ترین دلیل این انتخاب به ظاهر غیرمنظره شد. انتقالی که فقط یک خرید معمولی نیست، بلکه بازتابی از چند پیام مهم دارد؛ از ناتوانی استقلال در مدیریت ستاره‌هایش تا جاه‌طلبی زردهای سپاهان برای کورس قهرمانی.

این جابه‌جایی علاوه بر شوک روحی به اردوی استقلال، نشانه‌ای از تغییر توازن قدرت در فوتبال ایران است. سپاهان

هواداران استقلال این روزها دوباره صحنه‌ساز اصلی فضای مجازی و خیابان‌های اطراف باشگاه شده‌اند. کمپین‌های آنلاین و تجمع‌های اعتراضی، حالا مدیران آبی‌ها را زیر ذره‌بین گذاشته و یک نام پیش از همه خرس‌ساز شده: سیدحسین حسینی. گروهی از هواداران پرتفوذ خواهان پایان همکاری با دروازهبان ملی‌پوش استقلال بودند اما مدیران باشگاه می‌گفتند تصمیم‌های فنی در اختیار کادر مربیگری است و هیات‌مدیره دخالتی ندارد.

علی تاجرنیا، مرد اول هیات‌مدیره استقلال، در گفت‌وگویی بی‌برده به این انتقادها واکنش نشان داد و تأکید کرد مأموریت او نه انتخاب بازیکن است و نه تعیین تر کیب. وظیفه اصلی‌اش، آرام‌سازی فضای پر تنش باشگاه و مهیا کردن بستر حرفه‌ای برای تیم است. او یادآوری کرد فصل قبل حتی یک بازیکن بابت مطالباتش در باشگاه جنجال نکرد اما این روزها جو ملتهب، کار را برای همه سخت کرده است.

تاجرنیا به صراحت گفت فشارهای بیرونی گاهی تصمیم‌ساز می‌شود، تصمیم‌هایی که شاید به سود آینده باشگاه نباشد. به گفته او، تغییرات گسترده در ترکیب استقلال اجتناب‌ناپذیر

خط دروازه استقلال دوباره به محور اصلی گمانه‌زنی‌های نقل‌وانتقالاتی تبدیل شده است. با جدایی حسینی و نبود یک جایگزین مطمئن، نام‌های مختلفی روی میز مدیران باشگاه قرار گرفته و در این میان، یک چهره باتجربه اسپانیایی بار دیگر در صدر اخبار دیده می‌شود: آنتونیو آدان، دروازه‌بانی که در آکادمی رئال مادرید پرورش یافت و حالا پس از سال‌ها افتوخیز، به گزینه اول آبی‌ها بدل شده است.

آدان، متولد مادرید و محصول مستقیم کارخانه ستاره‌سازی رئال است اما برخلاف بسیاری از همنسلانش، فرصت چندانی برای درخشش در تیم اصلی پیدا نکرده؛ با وجود ۱۶ سال حضور در ساختار رئال، سهمش از بازی در ترکیب اصلی تنها ۱۸ مسابقه بود. با این حال در همین مدت کوتاه توانست طعم قهرمانی در لالیگا، کوپادل‌ری و سوپر کاپ اسپانیا را بچشد؛ هرچند بیشتر به عنوان دروازه‌بان ذخیره.

■ **دوران اوج در سبزهای اسپانیا و پر تغال**

زندگی فوتبالی واقعی او بعد از ترک مادرید آغاز شد. آدان در رئال بنیس برای اولین بار به عنوان گلر شماره یک شناخته شد. قهرمانی در سگوندا دیویزن، سال‌ها تجربه در لالیگا و ۱۲۹ بازی رسمی با پیراهن بنیس، او را به یکی از قابل‌اعتمادترین گلرهای لالیگا بدل کرد اما بهترین لحظات حرفه‌ای او در پر تغال رقم خورد؛ جایی که با اسپورتینگ لیسبون ۵ جام را بالای سر برد، ۶ بار عنوان بهترین دروازهبان ماه لیگ پر تغال را کسب کرد و سال ۲۰۲۱ به عنوان گلر برتر لیگ انتخاب شد.

بارسلونا دوباره نشان داد حتی در اوج بحران اقتصادی هم از رویاپردازی دست نمی‌کشد. در حالی که هنوز بدیهی‌های سنگین و قوانین سخت‌گیرانه مالی لالیگا مثل زنجیر به پای این باشگاه بسته است، کاتالان‌ها موفق شدند مارکوس رشفورد، وینگر انگلیسی و سابق‌مدار منچستر یونایتد را به خدمت بگیرند و وازل هجومی‌شان را کامل کنند.

هانسلی فلیک ماهه بود دنبال یک مهاجم چندپسته برای سمت چپ زمین می‌گشت؛ کسی که هم بتواند نقش گلزن را بازی کند، هم در تغییر سیستم انعطاف داشته باشد. مذاکرات برای جذب نیکو ویلیامز و لوئیز دیاز به بن‌بست خورد، چون بارسلونا نمی‌توانست مبلغ سنگین قرارداد و دستمزد آنها را در چارچوب سقف مجاز لالیگا ثبت کند. در نهایت، رشفورد پذیرفت ۲۵ درصد از حقوقش کم شود و با دستمزد ۱۴٫۵ میلیون یورویی به جمع آبی‌اناری‌ها بپیوندد؛ قراردادی فرضی که شملی بند خرید ۳۰ میلیون یورویی است. البته مشکل اصلی عدم بودیت دستمزد هنوز حل نشده و ثبت رسمی قرارداد رشفورد منوط به فروش چند بازیکن با تزریق سرمایه جدید است؛ چالشی که پیش‌تر مانع آمدن نیکو و دیاز شده بود اما رشفورد که خودش را یک «بارسایی واقعی» می‌داند، حاضر شد ریسک کند و این انتقال نیمه‌تمام را بپذیرد.

■ **مشکلات ادامه‌دار باشگاه**

بارسا در همین حال حتی از برگزگان جام خون گمپر در نوکمپ هم عقب نشست. مدیران باشگاه قصد داشتند در بازگشایی استادیوم تازمنوسازی‌شده، تیم فلیک را مقابل ده‌ها هزار هوادار رونمایی کنند و فروش ۴۷۵ جایگاه VIP را به عنوان یک دارایی رسمی در حساب‌های مالی ثبت کنند اما

سرنجام جدایی حسینی از استقلال رنگ واقعیت گرفت. دروازه‌بانی که سال‌ها سایه‌اش بر خط آخر آبی‌ها سنگینی می‌کرد، چمدانش را بست و راهی مقصدی شد که شاید هیچ‌کس تا چند ماه پیش حتی حدسش را نمی‌زد؛ سپاهان. سیدحسین حسینی، سنگربان شماره یک چند فصل اخیر استقلال، در شرایطی پای میز مذاکره با سپاهان نشست که از گفت‌وگوهای طولانی و بی‌نتیجه با مدیران باشگاه خودش خسته شده بود. مذاکراتی که از ابتدا بیشتر شبیه یک نبرد فرسایشی بود و در نهایت هم نقطه پایانش چیزی جز خداحافظی نبود. تبریزی‌ها در همان روزهایی که استقلال نتوانست خواسته‌های مالی و حرفه‌ای او را تأمین کند، پیشنهادی روی میز گذاشتند که رد کردنش نه منطقی بود و نه از نظر فوتبالی توجیه داشت.

این جابه‌جایی زمانی جذاب‌تر می‌شود که بدانیم در آستانه جام جهانی ۲۰۲۶، حسینی نمی‌خواست فصل حساسی را روی نیمکت بگذرانند و ریسک از دست دادن جایگاهش در تیم ملی را به جان بخرد. سپاهان، نه‌تنها فرصت حضور ثابت در ترکیب اصلی را به او وعده داد، بلکه با شرکت در آسیا چشم‌انداز متفاوتی از تجربه‌های بین‌المللی برایش ترسیم کرد.

پیشنهاد تیم مدیریتی سپاهان آنقدر حساب‌شده و اغواکننده بود که حسینی را از ادامه مسیر در استقلال منصرف کرد.

تاجرنیا؛ هواداران حسینی را نمی‌خواهند

خواهد بود و نیمی از بدنه تیم فصل گذشته تغییر می‌کند. با این حال، تجمع مقابل ساختمان باشگاه و شعار دادن علیه مدیران، هیچ نسخه شفابخشی برای استقلال نخواهد بود. او تأکید کرد: «من اگر استقلالی‌تر از هواداران نباشم، کمتر نیستم اما هر چیزی جای خودش را دارد».

نام عیسی آل‌کثیر، مهاجم سابق پرسپولیس، یکی از سوژه‌های داغ نقل‌وانتقالات آبی‌هاست. تاجرنیا در این باره توضیح داد این بازیکن در لیست پیشنهادی ریکاردو سایپنتو قرار دارد و اگر هیات مدیره از مذاکره با چنین گزینه‌ای سر باز بزند، دوباره همین هواداران معترض خواهند شد که «چرا جذب نکردید؟» او گفت در باشگاه استقلال هیچ انتقالی بدون امضای کادر فنی نهایی نمی‌شود و تصمیمات صرفاً براساس نظر سرمربی اتخاذ خواهد شد.

به گفته تاجرنیا، سایپنتو یک فهرست ۱۰ نفره از مهره‌های مدنظرش ارائه کرده و باشگاه هم با امکانات موجود در حال بررسی شرایط آنهاست. تاجرنیا البته با صراحت هشدار داد استقلال توان پرداخت قراردادهای نجومی و رضایت‌نامه‌های ۶

بررسی گزینه مدنظر آبی‌ها برای دروازه

۳۸ ساله از مادرید

■ **تلخی حضور در ایتالیا و ائتلیگو**

البته همه مسیر حرفه‌ای او درخشان نبود. آدان پس از جدایی از رئال برای مدتی کوتاه راهی کالیاری شد اما فقط ۲ بازی فرصت حضور در سری آ را پیدا کرد و زودتر از حد انتظار به اسپانیا برگشت. سپس ۲ فصل در ائتلیگو مادرید ذخیره یان اوبلاک بود و تنها ۱۲ بازی انجام داد؛ تجربه‌ای که او را به فکر ترک دوباره کشورش انداخت و سرنجام در پر تغال احیا شد.

■ **تقابل با بزرگان و خاطره مهار**

پنالتی‌مسی

در کارنامه آدان، بازی‌های فراوانی برابر غول‌های فوتبال اروپا دیده می‌شود؛ از رئال و بارسا گرفته تا یوونتوس و منچستر سیتی اما آمار او برابر این تیم‌ها چندان درخشان نیست. در ۷ دیدار مقابل بارسلونا حتی یک برد هم نداشت و ۲۲ بار دروازش باز شد. البته یک لحظه



(اخباری) در ترکیب، خیال کادر فنی را از مهم‌ترین نقطه زمین راحت می‌کند. از طرف دیگر، حسینی می‌داند عملکرد درخشان در چنین فصلی می‌تواند سرنوشتش را برای حضور در فهرست نهایی جام جهانی رقم بزند.

شاید استقلال می‌توانست با اندکی مدیریت بهتر این انتقال را به تأخیر اندازد یا حتی منتفی کند اما ظاهراً فاصله خواسته‌های ۲ طرف آنقدر زیاد بود که بل‌ها یکی‌یکی خراب شد. سپاهان در همان لحظه طلایی وارد عمل شد و با پیشنهادی که هم از نظر مالی و هم از منظر حرفه‌ای جذاب بود، دروازهبان ملی‌پوش را شکار کرد.

حالا همه نگاه‌ها به اصفهان دوخته شده است؛ جایی

تاجرنیا؛ هواداران حسینی را نمی‌خواهند

میلیون یورویی را ندارد و باید در چارچوب منابع مالی واقعی حرکت کند.

یکی از نکات بحث‌برانگیز، کمپین کنار گذاشتن حسینی است. تاجرنیا در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: در شرایطی که حسینی، دروازهبان شماره ۲ تیم ملی، در استقلال حضور دارد، برخی هواداران کمپینی برای کنار گذاشتن او راه انداخته‌اند. نتیجه این فضا آن است که اکنون نام یک دروازهبان ۳۸ ساله برای حضور در استقلال مطرح می‌شود. من منکر وجود مشکلات مدیریتی نیستم اما نمی‌شود بازیکنی را ابتدا به عرش برد و سپس با رقم‌های ۲-۳ برابری برای تمدید یا حضورش در تیم روبه‌رو شد. تاجرنیا در پایان گفت طی روزهای اخیر جلسات طولانی و مؤثری با سایپنتو برگزار شده تا استقلال برای فصل تازه آماده شود. او وعده داد با برطرف شدن چند مانع بقایمانده تیمی، رقابتی و قدرتمند روی خط استارت لیگ خواهد ایستاد و هواداران نگران آینده نباشند.



که حسینی و اخباری، ۲ رقیب دیرینه تیم ملی. این بار در کنار هم باید برای اهداف مشترک بجنگند. اتحاد اجباری یا ترکیب مرگبار؟ هنوز کسی پاسخ قطعی ندارد. با رسمی شدن این قرارداد، استقلال وارد چالشی تازه در ساختار تیمی‌اش می‌شود و سپاهان یک گام دیگر به تثبیت جایگاهش در بالاترین سطح فوتبال ایران نزدیک خواهد شد. فصل جدید هنوز شروع نشده اما حرکت‌های اینچنینی نشان می‌دهد رقابت فقط در مستطیل سبز خلاصه نمی‌شود؛ نقل‌وانتقالات حالا همان‌قدر تعیین‌کننده است که نتایج در زمین بازی.



یعنی دقیقاً ۵۶۲ روز بدون بازی. همین نکته بزرگ‌ترین علامت سوال درباره جذب اسپست؛ آیا در ۳۸ سالگی و پس از این وقفه طولانی، هنوز می‌تواند در سطح اول فوتبال بدرخشد یا تنها یک نام پرزرق‌وبرق است که شاید بیشتر از کارایی، وجه تبلیغاتی دارد؟

■ **قمار بزرگ**

مدیران استقلال با علم به این ریسک، همچنان آدان را جدی‌ترین گزینه می‌دانند. گفته می‌شود او قرار است برای بررسی شرایط بدنی و فنی راهی اردوی پیش‌فصل در ترکیه شود تا سرمربی آبی‌ها تصمیم نهایی را بگیرد. اگر آدان همان کیفیت دوران اسپورتینگ را بازگرداند، می‌تواند تجربه و آراش را به دروازه استقلال بیاورد اما اگر دوران افشش ادامه داشته باشد، آبی‌ها با بحرانی بزرگ‌تر از قبل روبه‌رو خواهند شد.

■ **تجربه یا آینده‌سازی؟**

اینک ۲ راه متفاوت برای استقلال وجود دارد؛ یا سراغ یک گلر جوان و آینده‌دار می‌رود تا پروژه‌ای بلندمدت را آغاز کند، یا با تکیه بر تجربه و نامی بزرگ، به دنبال نتیجه‌گیری کوتاه‌مدت خواهد بود. آدان بدون شک در دسته دوم قرار می‌گیرد؛ گلری باتجربه، با رزومه پررار، اما در آستانه بازنشستگی و پس از وقفه‌ای طولانی در بازی. حالا چشم‌ها به روزهای آینده دوخته شده تا مشخص شود این انتقال در حد گمانه‌نری باقی می‌ماند یا با استقلال با پذیرش تمام ریسک‌ها، دروازش را به یک کهنه‌کار مادریدی خواهد سپرد. ایسا این پروژه، نجات‌بخش دروازه آبی‌ها خواهد شد یا یک قمار پرهزینه دیگر است؟

بالا» محسوب می‌شود. نه هزینه انتقال سنگینی پرداخت شده، نه فشار مالی بلندمدت به باشگاه تحمیل می‌شود. اگر رشفورد دوباره رقم ۴ فصل قبلیش را پیدا کند، بارسا یک ستاره آماده و چندکاره خواهد داشت؛ اگر هم موفق نشود، پایان قرارداد فرضی به‌راحتی راه جدایی را باز می‌گذارد.

■ **ماجرای ناکامی در یونایتد**

رشفورد در منچستر یونایتد قرار بود نماد نسل جدید و ناجی باشگاه بحران‌زده باشد اما زیر نظر رومین آموریم به مشکل خورد. سرمربی پر تغالی که تازه هدایت شیاپالین سرخ را برعهده گرفته بود، صریحاً گفت: «مارکوس هرگز نهایت توانش را در تمرینات نگذاشت و من نمی‌توانستم به او بازی بدهم». این پایان یک دوران پرتنقاد در اولدرت‌افورد بود. حالا مهاجم انگلیسی با بارسلونا به دنبال احیای دوباره فوتبالش است.

در نوکمپ به او نه فقط به عنوان یک خرید موقت، بلکه به عنوان فرصتی برای تغییر نگاه به آینده نگاه می‌کنند؛ یک بازیکن که می‌تواند حتی نقش مهاجم مرکزی را از لواندوفسکی بگیرد و در مواقع لزوم همان بازیکنی باشد که دفاع حریفان را به هم می‌ریزد.

■ **ریسک در دل جاه‌طلبی**

بارسا باز هم دست به یک قمار حساب‌شده زده است. محدودیت‌های مالی، فشار لالیگا و عدم اطمینان از ثبت قرارداد، موانعی است که ستاره‌های مورد علاقه فلیک را دور کرد اما رشفورد، برخلاف نیکو و دیاز، حاضر شد از درآمدش بگذرد تا لباس آبی‌اناری‌ها را بپوشد. او حالا کنار لواندوفسکی، یامال و رافینیا بخشی از خط حمله‌ای خواهد بود که در اروپا کمتر تیمی توان رقابت با آن را دارد.

فصل تازه هنوز شروع نشده اما بارسلونا یک پیام روشن به رقبایش داد؛ با وجود تمام مشکلات مالی، همچنان می‌توانیم کابوس خط دفاع هر تیمی باشیم.